



خواهرم پرنده شد

مجموعه شعر برای کودکان غزه
به کوشش: بابک نیک طلب

تصویر گران:
حدیثه قربان
عاطفه ملکی جو

فهرست

- تمام ابرها • محمود پوروهاب • ۶
- همبازی فرشته‌ها • حسین احمدی • ۸
- رسم خوبی • بابک نیک‌طلب • ۱۰
- گل‌های بی‌خار • منیره هاشمی • ۱۲
- بچه‌های اردوگاه • منیره هاشمی • ۱۴
- دیو جنگ • مریم اسلامی • ۱۶
- خواهرم پرنده شد • مریم هاشم‌پور • ۱۸
- می‌روم با دلی پاره‌پاره • رودابه حمزه‌ای • ۲۰
- یک شاخه زیتون • طیبه شامانی • ۲۲
- آقا کبوتر! زود برگرد • غلام‌رضا بکتاش • ۲۴
- صدای جغد جنگ • حامد محقق • ۲۶
- مثل فرشته • مرضیه تاجری • ۲۸

تمام ابرها

• بدون شهد لبخندت • ندارد زندگی مزه •

• نمی دانی چه شب‌هایی
برایت من دعا کردم
نشستم گوشه‌ای غمگین
برایت گریه‌ها کردم

• من این جا و تو در آن جا
دلم اما کنار توست
نمی دانی چه اندازه
دل من بی قرار توست

• تو آن جا، توی اشک و خون
تمام ابرها، آهت
چگونه می توانم من
بخوابم لحظه‌ای راحت؟

• تو را من دوست می دارم • • تو را ای کودک غزه •



وقتی تو بودی
در خواب شیرین
یک بمب افتاد
روی فلسطین

همبازی فرشته‌ها

یک توپ آمد
بارید رگبار
پروانه‌ای ماند
در زیر آوار

یک موشک آمد ••• یک روستا سوخت •
بال قناری ••• در شعله‌ها سوخت •

شد یک محله
با خاک یکسان
یک بچه جان داد
توی خیابان

آن کودک اکنون
یک یاس خوشبوست
صدها فرشته
همبازی اوست

ای غزه! یک روز
خواهی شد آزاد
آن روز هستیم
ما بچه‌ها شاد

حسین احمدی

رسم خوبی

• دیدم! دوباره دیدم
دیدم چه قدر بد بود
دیدم به یک اشاره
شد هر چه بود، نابود

• دیدم چگونه یک شهر
شد لحظه لحظه ویران
باغی که غرق گل بود
خشکید و شد بیابان

• بارانی از غم و اشک • در کوچه‌ها روان شد •

• دیدم! ولی ندیدم
بد تا ابد بماند
رسم زمانه خوبیست
کی رسم بد بماند؟

بایک نیک طلب



• از داغ کودکان باز • پر خون دل جهان شد •



.....ای خدایی که هستی ••• مهربان مثل مامان ••• بچه ها را همیشه •••

● من شنیدم که جایی
بچه‌ها نان ندارند
رفته از یاد آن‌ها
بازی و شعرو لبخند

● شب ندارند جایی
تا بخوابند آرام
بمب‌ها مثل باران
می‌خورد روی هر بام

● ای خدا هیچ‌کس کاش
فکر دعوا نباشد
ای خدا کاش جنگی
توی دنیا نباشد

۱۳

● دوست داری فراوان



بچه‌های اردوگاه

• بچه‌های ترسیده
از گلوله و شلیک
بچه‌های آواره
بین کوچه‌ی تاریک

• مثل دسته‌ای گنجشک
پرزند از این جا
بغض بود و رؤیا بود
لای بچه‌ی آن‌ها

• چشمشان به این جا بود
خانه‌ای که ویران شد
مدرسه که دیوارش
شب گلوله باران شد

منیره هاشمی

• رفته باز هم خورشید • می‌رسد دوباره ماه •
• کی به خانه می‌آیند • بچه‌های اردوگاه؟ •

ترسناک و قهوه‌ای •• مثل یک دیو بزرگ •• دست

دیو جنگ



● چشم‌هایش چشمِ گرگ

مهرم اسلامی

● زوزه‌اش از روی شهر
ناگهان رد می‌شود
بوی آتش می‌دهد
حال ما بد می‌شود

● غزّه‌ی ما قبل از این
مهربان بود و قشنگ
از کجا پیدا شدند
دیوهای زشت جن

• خواهرم گرسنه بود • بی غذا و آب رفت •

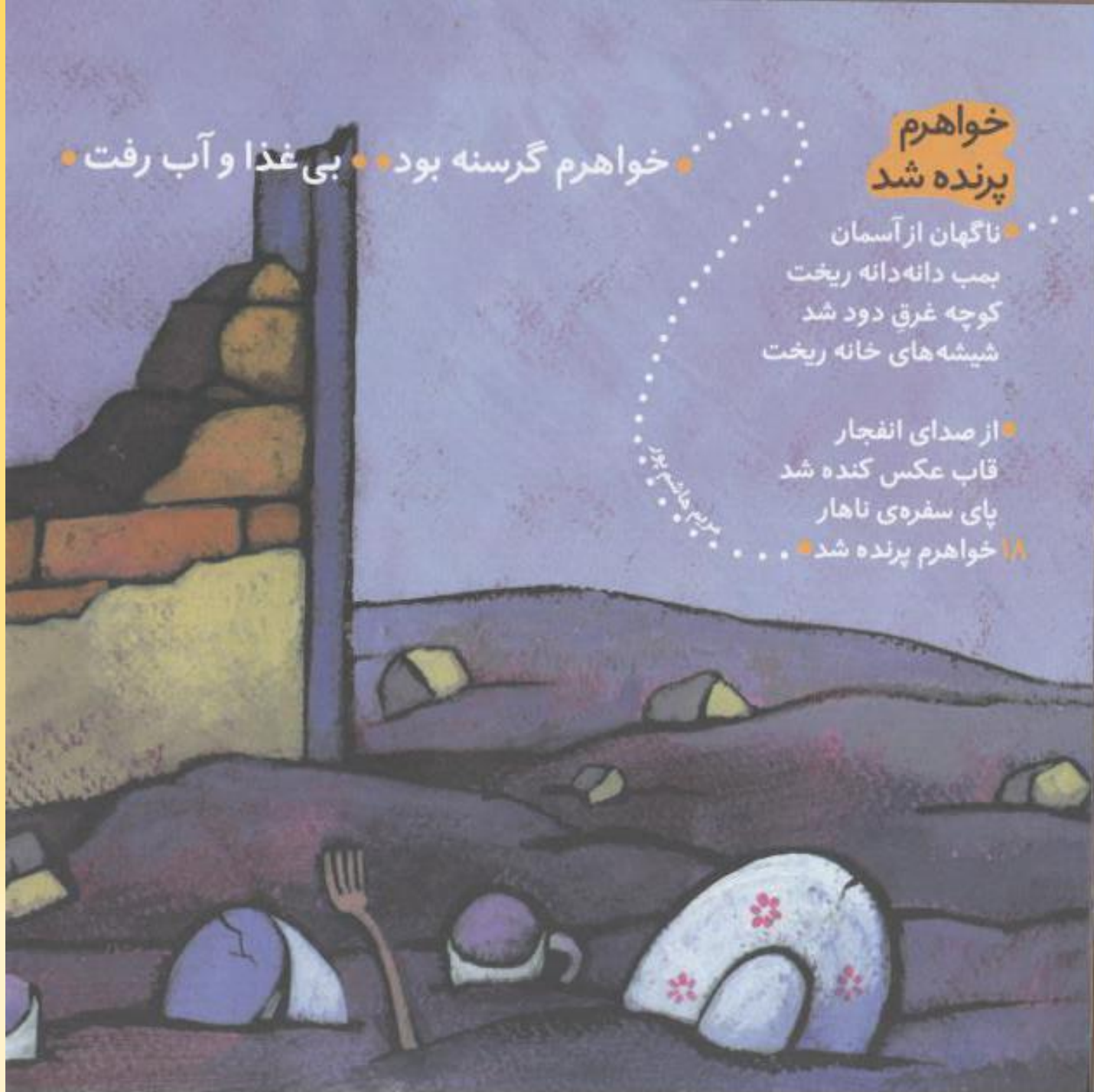
خواهرم پرنده شد

• ناگهان از آسمان
بمب دانه دانه ریخت
کوچه غرق دود شد
شیشه های خانه ریخت

• از صدای انفجار
قاب عکس کنده شد
پای سفره ی ناهار

• خواهرم پرنده شد •

بدریم خانم

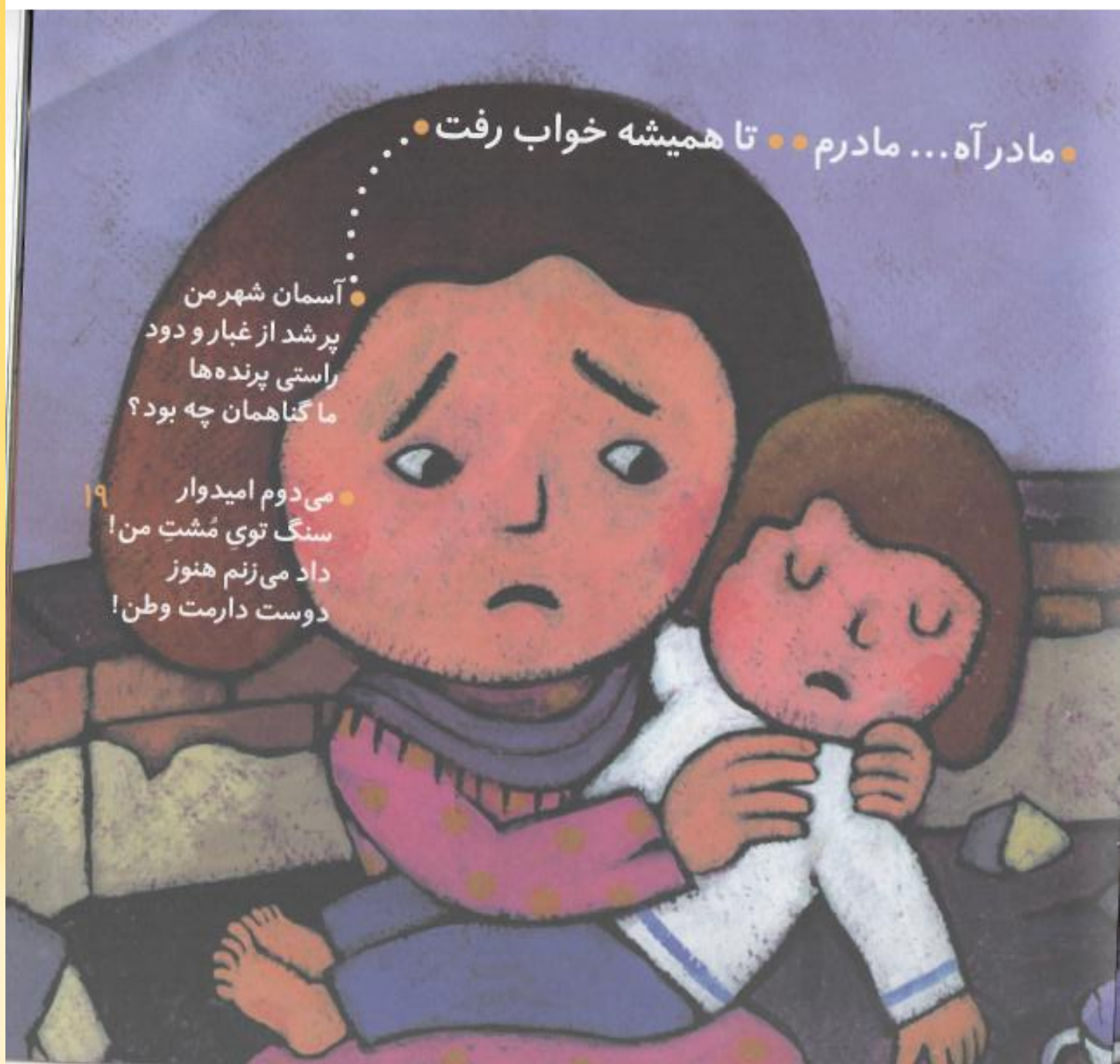


• مادر آه... مادرم • تا همیشه خواب رفت •

• آسمان شهر من
پرشد از غبار و دود
راستی پرنده‌ها
ما گناهمان چه بود؟

• می‌دوم امیدوار
سنگ توی مُشت من!
داد می‌زنم هنوز
دوست دارم وطن!

۱۹





• گوش او پر شده از صداها • از صداهای فریاد و موشک •



می روم با دلی پاره پاره

- خواهر کوچکم گنج دیوار
- با نگاهی پراز غم نشسته
- زل زده توی چشمان خیسم
- تشنه و خسته و دلشکسته

۲۱

• بغض او می چکد قطره قطره • • روی پاهای زخم عروسبک •

• نسهم ما جای بازی و شادی
زندگی زیر باران جنگ است
می روم با دلی پاره پاره
توی مشتم پراز قلوه سنگ است



یک شاخه زیتون

• من دوست دارم دوست باشم • با بچه‌ها، هر جای دنیا •

• من دوست دارم توی دنیا
یک ذره درد و غم نباشد
از آشتی با هم بگوییم
دعوا و جنگی هم نباشد

۲۲

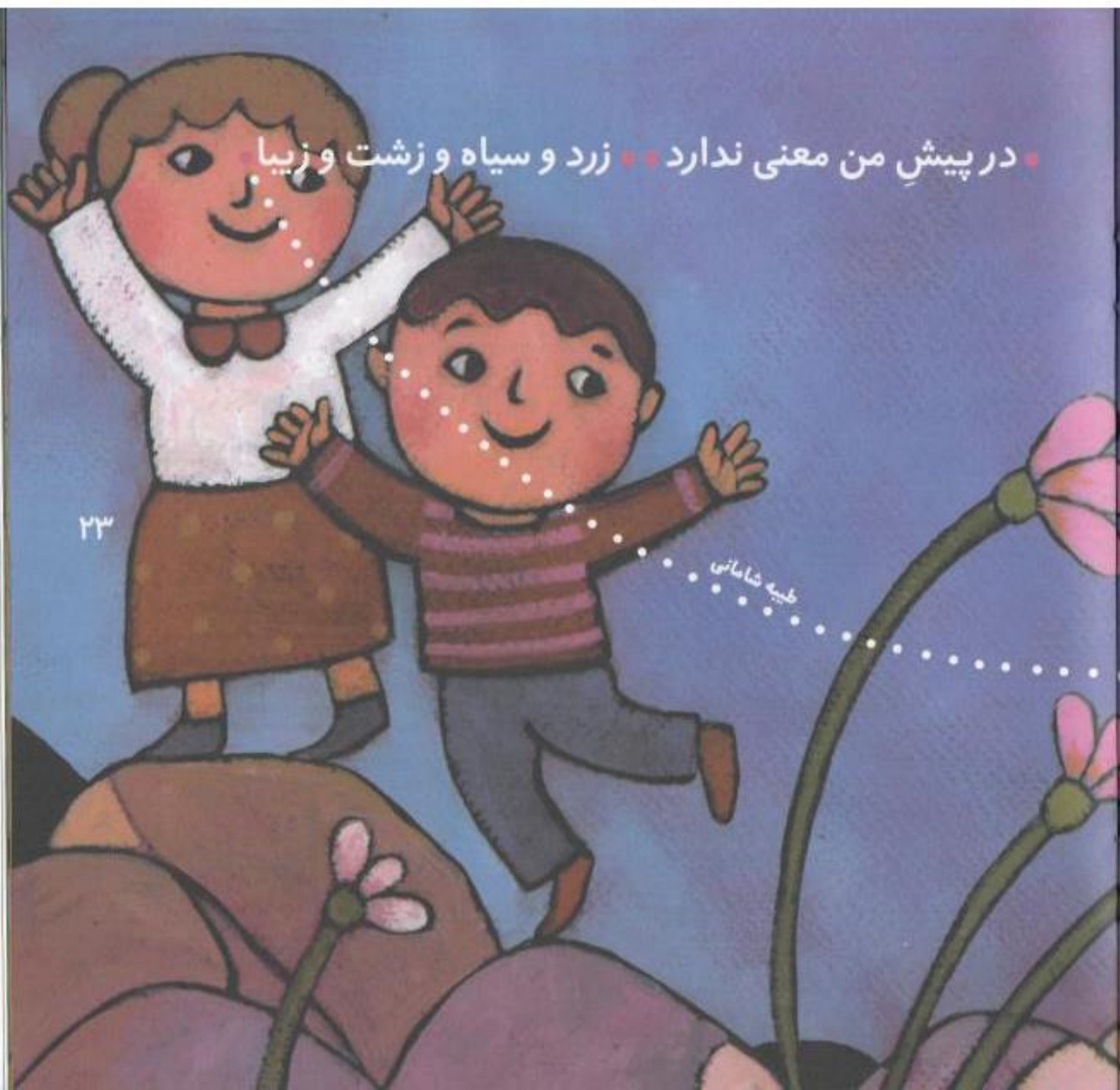
• ای کاش می‌شد جای این بمب
بر روی خانه گل ببارند
یا جای مین در سرزمینم
یک شاخه از زیتون بکارند



• در پیش من معنی ندارد • زرد و سیاه و زشت و زیبا

۲۳

طیبه شامانی



آقا کبوتر! زود برگرد

• یک کودک آواره می‌گفت:
در کشور ما خشکسالی است
آقا کبوتر! زود برگرد
صندوق‌های پُست خالی‌ست

پروانه‌های باغ ما را
خفاش‌ها آواره کردند
لبخندهای صورتی را
در دفتر گل پاره کردند



• بستند چشم شیشه‌ها را • • آئینه‌ها را کور کردند •

غلامرضا بکتاش

• امروز وقتی باغ ما را
خفاش‌ها رگبار بستند
پای مترسک زخم برداشت
دست عروسک را شکستند

• من کودکی آواره هستم
در کشور ما خشکسالی‌ست
آقا کبوتر! زود برگرد
صندوق‌های پُست خالی‌ست



• آب تمام چشمه‌ها را با یک نمکدان شور کردند •



An illustration of a night scene. In the foreground, there are two trees with brown trunks and dark, spiky branches. A large, glowing orange moon is in the sky. An owl is perched on a branch of the tree on the right. The ground is green with yellow spots. The sky is a mix of blue and purple. A dotted line with a small circle at the end points from the owl towards the text on the right.

صدای جغد جنگ

• شنیده او به گوش خود

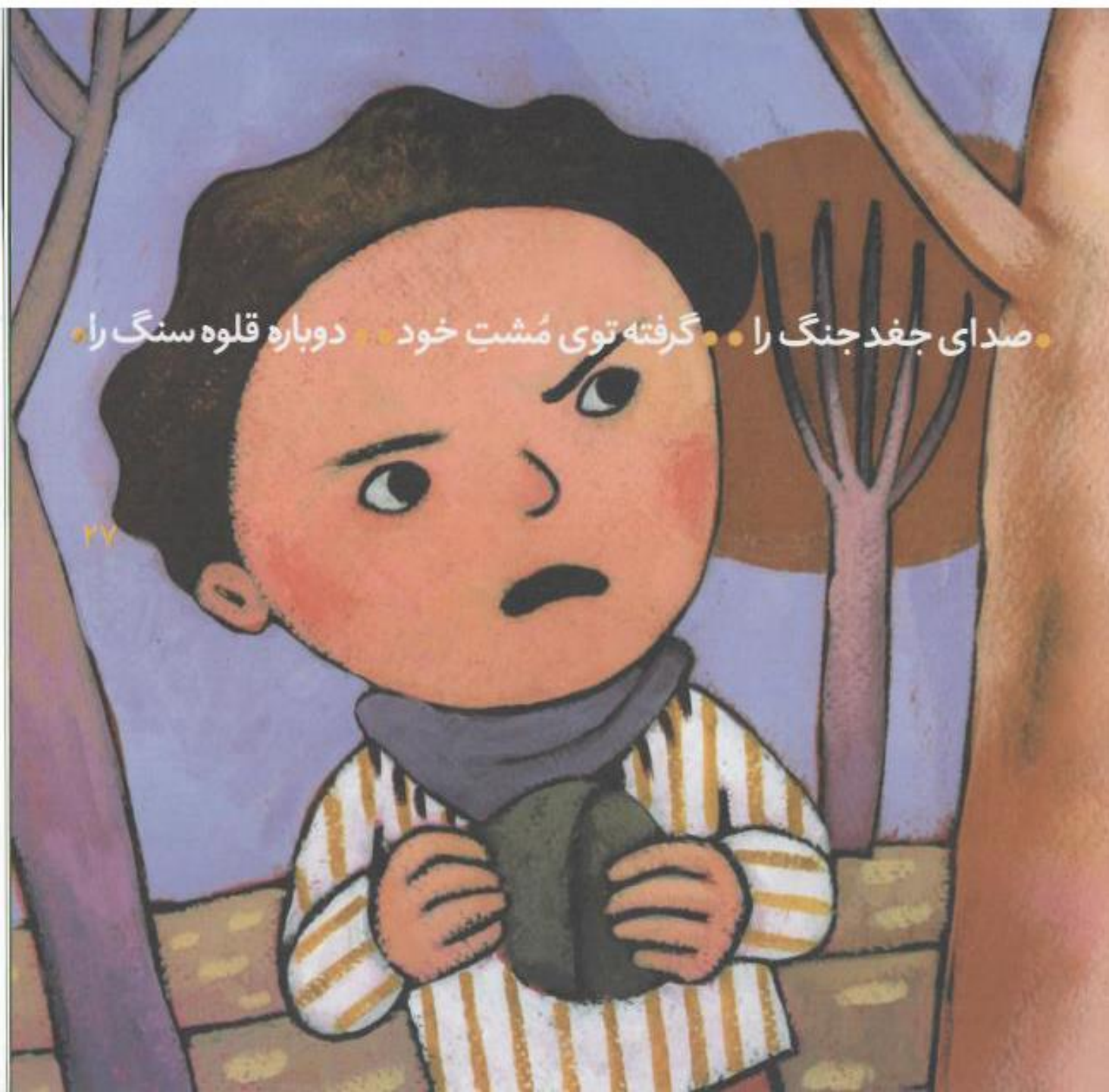
• در آسمان شهرمن
پرنده گرم بازی است
و روی شانه‌ی درخت
به فکر لانه‌سازی است

• در آسمان شهرمن
دوباره ابرپاره است ^{۲۶}
دوباره ماه خنده‌رو
و یک سبد ستاره است

• در آسمان شهر او
فقط صدای موشک است
و کوچه‌های آن پُراز
• هزار سنگ کوچک است

حامد معینی

صدای جغد جنگ را ••• گرفته توی مُشیتِ خود ••• دوباره قلوه سنگ را •



مثل فرشته

پرشد هوای خوب شهرم • از بنگ بنگ تیر و رگبار •

بمبی تکان داد آسمان را

برقی زد و در کوچه افتاد

با موج آن ماهی سرخم

از حوض بیرون جست و جان داد

کوچه لباسش غرق خون شد

رنگ شقایق‌های صحرا

همبازی من پرزد و رفت

مثل فرشته پاک و زیبا



آینه‌ی زیبای خانه • صد تکه شد در پای دیوار •

مرضیه تاجری

۲۹

